

ANICENIA.

طرح درس

دشمن شناسی

نویسنده: امیر حسین شجاعی



قبل از شروع صحبت و بیان درس، مربی می‌تواند یک کلیپ یا چند تصویر از دیوار چین را برای دانش‌آموزان نمایش دهد).

حدود دوهزار سال قبل چینی‌ها ساختن دیواری را شروع کردند. دیواری که ساخت آن بیش از هزار و هشتصد سال طول کشید. دیواری که تبدیل شد به طولانی‌ترین دیوار جهان. طول این دیوار هم‌اکنون به شش هزار کیلومتر می‌رسد و چینی‌ها اعتقاد دارند که طول اولیه دیوار پنجاه هزار کیلومتر بوده که طی سال‌های مختلف بسیاری از آن از بین رفته و این مقدار باقی مانده است.

می‌توانید تصور کنید که ساخت چنین بنایی در آن دوران با چه دشواری‌هایی همراه بوده است؟ کارگران در آن زمان از چه تکنیکی برای ساخت این دیوار بر روی دامنه‌های شیب‌دار استفاده کرده‌اند؟ آنها چطور سنگ‌هایی با آن وزن را تا محل ساخت دیوار حمل کردند؟

دیوار بزرگ چین از سنگ، خاک، شن و ماسه و آجر ساخته شده و کارگران برای ساخت آن از دست، طناب و سید استفاده می‌کردند. در طول سالیان دراز، هزاران نفر از مردم برای ساخت این دیوار تلاش نموده‌اند. فقط در زمان یکی از امپراتوران چین، حدود سیصد هزار سرباز و پانصد هزار نفر از مردم عادی درگیر ساخت دیوار اصلی چین بوده‌اند. بسیاری از کارگران در طول ساخت دیوار جان خود را از دست داده و باستان‌شناسان تا به حال بقایای بسیاری از آنان را در بخش‌هایی از دیوار چین پیدا کرده‌اند.

اما به نظر شما این همه تلاش و این همه هزینه‌های مالی و جانی برای چه کاری بوده است؟ آیا آنها با این کار می‌خواستند به دیگران فخر بفروشند و کلاس بگذارند؟ یا می‌خواستند مثلاً نام خود را در کتاب گینس ثبت کنند؟

امپراتوری چین فقط برای مبارزه و مقابله با دشمنان خود دست به ساخت چنین دیواری زد. آنها برای حفاظت از کشور در برابر حمله قبایل شمالی، از جمله مغول‌ها، این دیوار بزرگ و طولانی را ساختند. دیوار بزرگ چین دارای تعدادی برج ساعت و قلعه است که سربازان می‌توانستند در آنجا سنگر بگیرند و مهمات و آذوقه خود را در آنها ذخیره کنند. به خاطر ساختار ویژه آن، مأمور برج دیدبانی می‌توانسته به راحتی پیام‌های اضطراری را در طول دیوار منتقل نماید. همچنین سلاح‌های ویژه‌ای روی دیوار چین

تعبیه شده بودند که از آنها برای دفاع از کشور در برابر مهاجمان استفاده می‌شده است. متخصصان معتقدند که حدود یک میلیون سرباز قادر بودند هم‌زمان در امتداد دیوار چین مستقر شوند. تمام این کارها فقط برای محافظت از خود و رویارویی و مقابله و مبارزه با دشمنان بوده است.

یادداشت

از همان اول آفرینش هر کسی که دشمنی داشته، برای مقابله و مبارزه با او تلاش کرده و از هر راهی که به ذهنش می‌رسیده، استفاده می‌کرده تا مبادا مغلوب دشمن خود شود. بسیاری از جاها دورتادور شهر و دیار خود را دیوار می‌ساختند و در ورودی شهر و دیار خود دیدبان و نگهبان می‌گذاشتند تا از هجوم و نفوذ بیگانگان و دشمنان جلوگیری کنند. دیوار چین هم که بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین ساخته دست انسان‌هاست، برای همین کار، یعنی مبارزه و مقابله با دشمنان ساخته شد.

پس دفاع از خود و مقابله و مبارزه با دشمن مسئله‌ای تازه و جدید نیست و بی‌توجهی به آن می‌تواند به قیمت از دست دادن بسیاری از چیزهای مهم مانند جان و مال منجر شود. حال باید اول ببینیم چه کسی با ما دشمن است و بتوانیم خود را برای رویارویی با او مجهز کنیم تا مبادا در میدان نبرد از او شکست بخوریم.

ما انسان‌ها دشمن‌های متفاوتی داریم. در میان این دشمن‌ها، دشمنی داریم قدیمی که برای مبارزه و شکست دادن ما قسم خورده است و با تمام نیرو و توانش، برای مبارزه و شکست دادن ما تلاش می‌کند. این دشمن در لباس شغل‌های مختلفی که به تن می‌کند، به جنگ ما آمده و می‌آید. گاهی مسافر کشی می‌کند؛ البته نه از این نقطه شهر به نقطه و مکان دیگر، بلکه سر دوراهی حق و باطل می‌ایستد و مسافران جاده گمراهی را در بست به سفر جهنم می‌برد. گاهی کشاورزی می‌کند و بذر کینه و نفاق را در زمین دل‌ها می‌کارد. گاهی شغلش نقاشی است؛ اما نه تابلوهای گران‌قیمت می‌کشد و نه ساختمان رنگ می‌کند، بلکه رنگ بطلان به چهره حقیقت می‌زند و راستی و درستی را با باطل و انحراف رنگ‌آمیزی می‌کند. گاهی نیز خلبان است؛ خلبانی که با بال‌های وسوسه و القا آن‌قدر بر فراز قلب انسان‌ها چرخ می‌زند تا باند مناسبی برای فرود پیدا کند. همیشه کارهایش را به‌صورت تدریجی شروع می‌کند و اگر از ابتدا جلوی پیشروی او گرفته نشود، به گام‌های بعدی می‌رسد و به‌راحتی می‌تواند حریف خود را از میان بردارد.

این دشمن قسم خورده‌ی ما که همان شیطان است، با تجربه‌ی چند هزارساله‌ای که در گمراه کردن انسان‌ها دارد، حریفی نیست که به راحتی بتوان پنجه‌درپنجه‌اش انداخت و پشتش را به خاک مالید. خیال اینکه مبارزه با شیطان کار آسانی است، باید از سر بیرون کرد.

خب حالا برای مقابله با این دشمن قدیمی ما که شغل‌های مختلفی نیز دارد و تاکنون موفقیت‌های زیادی داشته، چه باید بکنیم؟ (مربی می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد نظرها و جواب‌های خود را در کلاس به اشتراک بگذارند).

برای رویارویی و مقابله با شیطان و وسوسه‌های شیطانی باید از چند تکنیک استفاده کنیم.

تکنیک اول (برج مراقبت):

اولین کاری که باید بکنیم، نگرهبانی و مراقبت است. همان‌گونه که در گذشته شهرها نگرهبان داشتند و عده‌ای برای مراقبت از شهر و مقابله با نفوذ دشمن، از شهر مراقبت می‌کردند، ما نیز باید برای نفوذ نکردن شیطان نگرهبانی دهیم و از خود مراقبت کنیم. برای این مراقبت و نگرهبانی باید اعضا و جوارح خود را کنترل کنیم و مراقب چشم، گوش، فکر و همه‌ی اعضا و جوارح خود باشیم؛ چراکه درهای ورودی به قلب هستند و شیطان از این درها وارد می‌شود. به هر چیزی نباید نگاه کنیم. نگاه کردن به هر چیزی در اینترنت، تلگرام و دیگر شبکه‌های مجازی، خیابان و هر جای دیگر، اگر کنترل شده نباشد، می‌تواند در را برای ورود شیطان باز کند. گوش دادن به چیزی، فکر کردن به هر چیزی، رفتن به هر جایی و... اگر با کنترل ما همراه نباشد، مقدمات حضور شیطان را فراهم می‌آورد. او خیلی راحت می‌تواند فقط با یک عکس، یک کلیپ، یک فایل صوتی، یک گروه یا کانال، و حتی با یک کلیک کردن، به قلب ما نفوذ و نقشه‌های شوم خود را اجرا کند؛ البته اگر کنترل و نگرهبانی از طرف ما با ضعف روبرو باشد.

باید لباس رزم پوشید و در قلعه‌ای محکم و استوار نگرهبانی داد. چنانچه انسان بتواند اعضا و جوارح خود را کنترل کند، به این معناست که هم لباس رزم مناسبی به تن کرده و هم در قلعه‌ی محکمی نگرهبانی می‌دهد؛ چیزی که در ادبیات دینی ما، آن را تقوا و پرهیزکاری می‌نامند.

بعد از این کار، نوبت به محاسبه می‌رسد. یعنی برای جبران ضعف‌ها و برنامه‌ریزی برای آینده ارزیابی لازم است (مربی می‌تواند از دانش‌آموزان در مورد اهمیت محاسبه سؤال

پرسد که آیا با وجود کنترل اعضا و جوارح، دیگر به این بخش، یعنی محاسبه، نیازی خواهد بود یا نه؟. با این کار می‌توانیم قوت‌ها و ضعف‌های خود را بیابیم و با تقویت قوت‌ها و رفع ضعف‌ها، دژ و قلعهٔ مراقبت را قوی‌تر و نفوذناپذیرتر سازیم.

تکنیک دوم (واکنش مناسب):

تکنیک بعدی به این شکل است که در برابر هر حيله و ترفند و وسوسه‌ای از سوی دشمن، تدبیری اندیشیده و واکنشی مناسب به آن داشته باشیم. با چنین تدبیری، دشمن با هر سلاحی که به ما حمله کند، می‌توانیم با پاسخ و واکنشی مناسب همان ترفند و سلاح، او را شکست دهیم. مثلاً با خود بگوییم که اگر روزی شیطان به من گفت که: «دیگران به تو ظلم می‌کنند و حق تو را می‌خورند، پس تو هم همین برنامه را برای دیگران داشته باش» به خود خواهیم گفت که: آنها ظالم هستند و روز قیامت به سزای اعمال بد خود خواهند رسید و اگر من هم مثل آنها ستم کنم، دیگر تفاوتی میان من و آنها نخواهد بود (مربی با ذکر این مثال از دانش‌آموزان می‌خواهد تا مثال‌های دیگری ارائه دهند).

تکنیک سوم (پناهگاه مطمئن):

در برابر هجوم وسوسه‌های شیطان، لازم است به پناهگاهی مطمئن پناه ببریم. مطمئن‌ترین پناهگاه در برابر شیطان و وسوسه‌های او، توجه به خدا و یاد اوست. انسان هر چه بیشتر به یاد خدا باشد، کمتر در دام‌های شیطان خواهد افتاد. هر قدمی که به سمت خدا برداریم، یک قدم از شیطان دور می‌شویم. همان‌طور که من هر قدم به شما نزدیک‌تر شوم، یک قدم از تابلوی کلاس فاصله گرفته و از آن دور می‌شوم (مربی هنگام بیان این مثال می‌تواند یک یا چند قدم به سمت دانش‌آموزان بردارد تا مثال عینیت بیشتری پیدا کند). هر قدم هم که از خدا فاصله بگیریم، یک قدم به شیطان نزدیک‌تر خواهیم شد و هر چه به دشمن نزدیک‌تر باشیم، راحت‌تر می‌تواند نفوذ کرده و به اهدافش برسد.

پس هر چه یاد خدا بیشتر، قدرت ما در برابر شیطان نیز بیشتر. حتی اگر گاهی شیطان نفوذ کرد و ما را شکست داد، نباید ناامید شد و باید با سرعت به پناهگاه خود پناه برد و با استغفار و پشیمانی تلاش شیطان را خنثی کرد.

با استفاده از این سه تکنیک می‌توان در برابر دشمنی قسم‌خورده و با تجربهٔ چندهزارساله

ایستاد و کمر او را به خاک مالید.

سؤالها و پاسخها

سؤال اول:

تفاوت شیطان با دشمنان بیرونی و خارجی چیست؟

دشمنان بیرونی و خارجی را می‌توان دید و در برابرشان ایستاد؛ اما شیطان دشمنی است ناپیدا که به راحتی نمی‌توان حضور و دشمنی و نقشه‌های او را حس کرد. به همین خاطر جنگیدن در برابر او با جنگیدن با دشمن‌های دیگر متفاوت خواهد بود.

سؤال دوم:

آیا می‌شود شیطان ما را به کار خوبی دعوت کند؟

گاهی شیطان ما را به کار خوبی دعوت می‌کند تا از کار بهتر و مهم‌تری باز بمانیم. پس همیشه باید ببینیم در میان کارهای خوب، کدام‌یک اولویت دارد و مهم‌تر است تا مبادا کار مهم‌تر را فدای کاری با اولویت کمتر کنیم.

سؤال سوم:

اگر در موردی شیطان ما را فریب داد، چه کنیم؟

توبه و استغفار راه خنثی کردن توطئه‌های شیطان و بازگشت به سوی خداست. اگر شیطان در موردی ما را فریب داد، باید با پشیمانی واقعی به سمت خدا رفته و از خداوند بخواهیم که ما را بخشیده و برای جبران آن کار کمکمان کند.

تمرین

تمرین اول:

برای بیشتر یاد خدا بودن و دور کردن شیطان از خود سعی کنیم همیشه با وضو باشیم و علاوه بر اوقاتی که برای نماز وضو می‌گیریم، در سایر زمان‌ها نیز وضو بگیریم. مثلاً هر روز صبح که از خواب بلند می‌شویم، به جای شستن دست و صورت، وضو بگیریم و شب‌ها نیز با وضو به رختخواب برویم.

تمرین دوم:

هر شب قبل از خوابیدن دو دقیقه به کارهایی فکر کنیم که در طول روز انجام داده‌ایم. برای کارهای خوبی که انجام داده‌ایم، خدا را شکر کنیم و تصمیم بگیریم آنها را با قوت بیشتری تکرار کنیم و برای کارهای اشتباهمان، استغفار کرده و تصمیم به جبران و عدم تکرار آنها بگیریم.

تمرین سوم:

هر روز به یک ترفند از ترفندهای شیطان فکر کنیم و راهی برای مقابله با آن بیابیم تا هر گاه شیطان خواست برای نفوذ از آن راه استفاده کند، بی‌درنگ واکنشی آماده و مناسب برایش داشته باشیم. مثلاً بگوییم اگر شیطان خواست مرا با تقلب کردن در امتحان فریب دهد، من در مقابل، چنین خواهیم کرد.

پیوست

برخی از اموری که در مخالفت با وسوسه‌های شیطان مؤثر است:

۱. انجام یک‌سری مستحبات، مثلاً همیشه با وضو بودن و زبان را به ذکر، مخصوصاً «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» عادت دادن و نیز خواندن قرآن در اوقات مختلف.
۲. خود را از بیکاری، تنهایی و عوامل وسوسه‌انگیز دور نگه داشتن.
۳. ذهن را همواره به امور ارزشمند متوجه ساختن و عادت دادن.
۴. مطالعه و تفکر درباره خدا و قیامت.
۵. به طور منظم، مثلاً هفتگی، به زیارت اهل قبور رفتن و به عاقبت خود و احوال پس از مرگ اندیشیدن.
۶. شرکت کردن در مراسم دینی و فعالیت جدی در مسائل فرهنگی و اجتماعی، و نماز را با توجه و حال عاشقانه و حضور قلب خواندن.